

کنکاش قرار می‌گیرد. اما به‌رغم پیشرفت‌های قابل توجه، باید گفت که این نظریه هنوز در مرحله شکوفایی است و هنوز از قالب نظری به قالب اجرای عملی گام نهاده است. با گسترش و توسعه‌ی جرائم تروریسم دولتی و سایر جرائم بین‌المللی و با توجه به حجم بالای خسارات و تلفات برجای مانده از آن‌ها، هدف قرار گرفتن منافع و مصالح حیاتی دولت‌ها و تهدید صلح و امنیت بین‌المللی، اغلب کشورها ضرورت تطبیق و به‌کارگیری نظریه مسئولیت کیفری بین‌المللی، دولت را درک نموده و به این باور دست‌یافته‌اند که نتایج مثبت تطبیق این نظریه بسیار بیشتر از نتایج منفی احتمالی آن است؛ و این که مبارزه با جرائم بین‌المللی جز با قبول مسئولیت کیفری دولت علاوه‌بر مسئولیت کیفری اشخاص حقیقی مرتکب این گونه جرائم، به ثمر نخواهد نشست. هرچند موضوع احراز مسئولیت کیفری دولت‌ها می‌تواند به دستاویزی برای بهره‌برداری‌های سیاسی سایر کشورها به‌ویژه قدرت‌های بزرگ بدل شود، اما سپردن این مهم به مرجع رسیدگی بین‌المللی می‌تواند گامی در راستای جلوگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی باشد.

به نظر می‌رسد محاکمه و مجازات مرتکبین جرائم خطرناک بین‌المللی هم‌چون جرائم تروریستی و تأمین مالی آن در دادگاهی بین‌المللی، به‌ویژه زمانی که از جانب دولت‌ها ارتکاب یافته باشد، راه‌حل مناسبی برای برون‌رفت از معضل فرار مجرمان از مجازات و درنهایت روشی مناسب برای مقابله با جرائم تروریستی خواهد بود و راه را بر اقدامات یک‌جانبه قدرت‌های بزرگ خواهد گرفت. در این میان دادگاه کیفری بین‌المللی می‌تواند، بستر مناسبی برای رسیدگی به جرائم تروریستی باشد. هرچند کاستی‌ها و معضلات موجود، تاکنون توانسته‌اند عمل‌کرد دادگاه کیفری بین‌المللی را مختل و کارایی آن را محدود نمایند، ولیکن چیره‌گی و غلبه بر آن‌ها چندان محال و دست‌نیافتنی به نظر نمی‌رسد. البته این مهم در صورتی محقق خواهد شد که کشورهای که تاکنون به عضویت این دادگاه درنیامده‌اند، خصوصاً کشورهای قربانی تروریسم اقدام به بررسی و تأیید اساسنامه و عضویت در دادگاه نمایند، تا از این طریق بتوانند نسبت به ارائه پیشنهاد تعدیل اساسنامه و درج جرائم تروریستی و دیگر جرائم بین‌المللی خطرناک در صلاحیت